



پسر جوان وقتی فهمید مرد متأهل قصد دارد مادرش را به صیغه خود در آورد در یک سناریوی طراحی شده از جنوب ایران به تهران آمد و مرد ثروتمند را به قتل رساند.



عامل این جنایت پس از قتل، جسد را به شهر کازرون برد و اقدام به آتش زدن جسد کرد تا راز این پرونده معمایی پنهان بماند.

قتل هولناک یک مرد

در اقدام جنون آمیز همسرش

زن شوهرش را در صحنه آتش زد



زن جوان کرمانشاهی بعد از آتش کشیدن شوهر خود در خانه‌شان، درها را قفل کرد و پا به فرار گذاشت.

به گزارش «ایران»، زن کشی، دختر کشی و قتل‌های ناموسی؛ در میان پرونده‌های جنایی همیشه جنجال و سرو صدای زیادی دارند. اما در کنار همین پرونده‌ها، پرونده قتل مردانی هاله‌ای از بی‌اعتنایی گذر می‌شود. کم نیستند پرونده‌های جنایی که در آن مردی قربانی هوس زن خیانتکار شده و توسط فردی که زن او را اجیر کرده کشته می‌شود. یا پرونده‌های قتلی که در آن یک زن نقشه قتل شوهر خود را در پی اختلافات خانوادگی طراحی و اجرا می‌کند. در شهرستان صحنه هم دو هفته قبل، اختلافات خانوادگی منجر به آتش افروزی زن جوانی به مهر اتهام قتل‌جا خوش کرده است.

رعنا در زمره همان زنانی است که سال‌ها درگیری و اختلاف او با شوهرش سرانجام منجر به طراحی و اجرای نقشه قتل شوهر شد.

صبح آتشین روستای بدریان

روستای بدریان جایی در نزدیکی شهرستان صحنه استان کرمانشاه است. تقریباً همه اهالی این روستا به خاطر وجود باغ‌های سرسبز و انبوه، شغل کشاورزی دارند.

دو هفته قبل زمانی که آفتاب در آبادی بالا آمده بود اهالی کم کم در حال آماده شدن برای رفتن به محل کار خود بودند که فاجعه‌ای زیر پوست روستا خیزید.

ساعت حدود ۱۰ صبح روز حادثه بود که پسرک خردسالی در پشت پای یکی از خانه‌های روستا در حال بازی بود. ناگهان صدای شکسته شدن شیشه خانه همسایه رویه‌رویی آنها و سپس صدای فریادهای مرد همسایه به نام علی بلند شد.

پسرک لبه‌بام ایستاده بود و با وحشت به مرد همسایه نگاه می‌کرد. علی در آتش می‌سوخت و شعله‌های سرخ آتش از پنجره‌های خانه‌اش زنانه می‌کشید.

پسر خردسال پله‌ها را به سمت پایین دوید و در حالی که صدایش از ترس می‌لرزید به پدر بزرگ خود گفت که خانه علی آفتاب گرفته است. دقایقی بعد همسایه‌ها خودشان را مقابل خانه

علی ۴۰ ساله رساندند و اقدام به خاموش کردن آتش کردند. علی در خانه حبس شده بود و پا سستی توانستند او را از خانه‌اش خارج کرده و برای مداوا به بیمارستان منتقل کنند.

آتش افروزی زن کرمانشاهی

از همان ابتدا که علی از حبس شعله‌های آتش رها شد تا ۲ هفته بعد که در بیمارستان بستری بود بارها برای دوستان و آشنایان تعریف کرد که این آتش را همسرش برای او تدارک دیده بود! همین کافی بود تا تحقیقات قضایی در پرونده آغاز شود. در ابتدا دستور بازبینی دوربین‌های مدار بسته صادر شد. تصویر همسر علی به نام رعنا در حال فرار از خانه‌اش به ضبط دوربین خانه همسایه رسیده بود که در اختیار مأموران انتظامی و قضایی قرار داده شد.

در این تصویر دیده می‌شد که رعنا به همراه ۲ دختر ۱۴ و ۸ ساله‌اش به سرعت از خانه خارج شده و به مکان نامعلومی گریخت. ثانیه‌ای بعد از دور شدن زن ۳۲ ساله و دخترانش شعله‌های آتش از خانه‌شان بیرون زد.

علی در جریان تحقیقات به مأموران گفت: «صبح روز حادثه همسر من را بیدار کرد که با هم سرزمین‌های کشاورزی مان برویم. شب قبل با هم بحثمان شده بود اما من فکر نمی‌کردم همسر من چنین فکری در سر داشته

باشد. ناغافل از یک دبه ۴ لیتری به من بزنید پاشید. ابتدا گمان کردم روی بدنم آب ریخته است. تا به خودم پیام بوی بنزین در مشام پیچید و ثانیه‌ای بعد همسرم کبریت را کشید و فرار کرد. در راهم پشت سرش قفل کرد برای همین من چند دقیقه‌ای بین شعله‌های آتش حبس شده بودم.»

بازداشت زن فراری

تلاش مأموران انتظامی برای یافتن ردی از زن فراری آغاز شد و چند روز بعد از حادثه زن آتش افروز در مخفیگاه خود دستگیر شده و راهی بازداشتگاه شد.

در همین حال اقدامات درمانی برای نجات جان علی در بیمارستان ادامه داشت تا اینکه روز سه‌شنبه ۲۰ تیرماه امسال، علی به دلیل شدت سوختگی بعد از حدود ۲ هفته که با مرگ دست و پنجه نرم کرده بود، به کام مرگ فرورفت.

به این ترتیب رسیدگی به پرونده انتهایی رعنا و بحث‌هایشان دخالت می‌کردند. حتی بارها

با موضوع قتل در جریان قضایی ادامه دارد. **انگیزه زن آتش افروز چه بود؟** یکی از اقوام نزدیک علی درباره اختلافات علی و همسرش می‌گوید: «علی و همسرش از ابتدای ازدواجشان با هم اختلافاتی داشتند. اما روزهای خوش هم بین آنها بود و گاهی با هم تفریح و سفر می‌رفتند. موضوع خیلی حادی بین آنها نبود و دعواهای آنها دلیل مهمی نداشت اما هر بار با هم بحثشان می‌شد، همسرش قهر می‌کرد و به خانه پدری‌اش که در یک آبادی دیگر بود می‌رفت. در مدتی که علی در بیمارستان بستری بود بارها به عیادتش رفتم و با من درد دل می‌کرد و از زندگی گذشته‌اش حرف می‌زد. از روزی که در بیمارستان بستری شد تا آخرین روز که دیگر دوام نیاورد و فوت کرد، هوش و حواسش خوب بود و مشکل تکلم نداشت. او می‌گفت خانواده همسرش گاهی مقابل خانه آنها آمد و در جر و بحث‌هایشان دخالت می‌کردند. حتی بارها

کار زن و شوهر به شکایت قضایی از همدیگر هم رسیده بود. اما دختران علی حق را به مادرشان می‌دادند.»

این مرد در ادامه می‌گوید: «وضع مالی علی خوب بود. تراکتور و خانه و زمین‌های کشاورزی داشت. شنیده بودیم که اخیراً همه دارایی‌ها و خانه‌اش را به نام همسرش زده است.»

یکی از همسایه‌های علی نیز می‌گوید: «شب قبل از حادثه علی و همسرش با هم بحثشان شده بود. همسر علی از اعتیاد او گله داشت و می‌گفت خرجی نمی‌دهد. اما اختلافات آنها عمیق به نظر نمی‌رسید و اگر هم جر و بحثی داشتند بین خودشان بود و نمی‌گذاشتند کسی یا خیر شود. هر دوی آنها افراد آرام و بی‌آزاری به نظر می‌رسیدند. فکرش را هم نمی‌کردیم که کار اختلافات زن و شوهری آنها به اینجا کشیده شود.»

بنابراین گزارش رسیدگی به این پرونده در جریان روال قضایی قرار دارد.

تیرتها

دختر ۴ ساله همه را سرکار گذاشت

ترانه گمشده

«وقتی مادرش از فرط خستگی، زیر سایه درخت گیلاس به خواب رفت، او از باغ بیرون زد. دختر بچه بازیگوش و کنج‌گاو چهار ساله، با یک دمبایی سبز، پایش را به دنیای خطرناک بیرون از باغ خانوادگی گذاشت.»

دزدان هنوز شناسایی نشده‌اند

حمله ۴ مرد نقابدار به خانه اعیانی مادر و دخترانش

چهار دزد نقابدار به خانه اعیانی مادر و دو دختر در زعفرانیه دستبرد میلیاردری زدند و گریختند اما پلیس نتوانست ردی از آنها بدست بیاورد.

سرایدار ساختمان که همراه دزدان وارد خانه شده بود در دادگاه به عنوان سرکرده باند سرقت از خود دفاع کرد و مدعی شد بی‌گناه است.



سرنوشت مادری که قدرش را ندانستند

خودسوزی زن سرطانی

در تنهایی تلخ

از وقتی سرطان جانم را گرفت و فرزندانم مرا رها کردند، من ماندم با درد بی‌درمان؛ دردی که فقط خودم می‌کشیدم. نه دیگر توان کار داشتم و نه پولی برای هزینه. تصمیم گرفتم با خودسوزی به زندگی پدردر و زنجم پایان بدهم وقتی کسی کمکم نکرد.



داستان

زوزه گرگ

زنگ خانه را که زد صدای دخترعمویش را شنیدم. سلام دخترعمو محمد هستم. سناناز شناسی آیفون را فشرده و به سمت آشپزخانه رفتم. او می‌دانست پسرش وقتی از مدرسه می‌آید گرسنه است و قرمه سبزی می‌تواند او را سدرق بخشد. چند لحظه‌ای طول کشید تا اینکه چند ضربه به در چوبی آوازمان خورد. سناناز روستری‌اش را مرتب کرد و با چرخاندن دستگیره در را باز کرد، محمد لخبندی زد و داخل شد.



شهادای مدافع حرم را می‌خورد. سرانجام در ۲۶ آبان ۱۴۰۰ در عملیات دستگیری دو نفر از اشرا و محاربان مسلح و خطرناک در فولادشهر اصفهان بر اثر اصابت چندین گلوله به سختی مجروح و بعد از ساعت‌ها تلاش پزشکان در ۲۷ آبان به درجه رفیع شهادت نائل شد و پیکر ایشان در گلزار شهادای روستای چم طاق به خاک سپرده شد.

سحرگاه پنجشنبه در فولاد شهر صورت گرفت

اعدام ۲ عامل شهادت پلیس در ملاعام

بیمارستان انتقال یافت که به‌رغم تلاش پزشکان به درجه رفیع شهادت نائل می‌شود. متهمان دارای سوابق متعدد کیفری در زمینه سرقت، شرارت و نزاع و درگیری بوده‌اند و پس از تکمیل تحقیقات، برای رسیدگی به جرایم خود تحویل مرجع قضایی می‌شوند.

اعدام در ملاعام

رئیس دادگاه فولادشهر گفت: حکم اعدام قاتلان شهید مدافع امنیت ستوان دوم نصیری توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان و شعبه یک کیفری این استان صادر شد. سید مسعود مسعودی فرگفت: این حکم پس از برگزاری جلسات رسیدگی به اتهامات قاتلان مدافع امنیت شهید احسان نصیری و استماع دفاعیات متهمان و وکلای آنان، صادر شد.

به گفته او دستگاه قضایی از ابتدای وقوع این جنایت رسیدگی ویژه و سریع به این پرونده را در دستور کار خود قرار داد و مسیر قانونی پرونده از جمله تحقیقات و همه ضوابط مندرج در آیین دادرسی کیفری را در کمترین زمان ممکن اجرا کرد.

زندگینامه پلیس شهید

شهید مدافع وطن ستوان دوم احسان نصیری فرزند عبدالله در دهم بهمن ماه سال ۱۳۷۰ در خانواده مذهبی در روستای چم طاق از توابع شهرستان لنجان به دنیا آمد. پدربزرگ کارمند آموزش و پرورش و مادرش خانه‌دار بود. فرزند چهارم خانواده بود، از دوران کودکی تا زمان شهادت هیچ موقع نمازش ترک نشد. دوران